

تئوری فرهنگی و تبیین نگرش زیست محیطی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)

مجتبی حمایت خواه جهرمی^{۱*} و مهدی قربانی^۲

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور

۲. دانشیار دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۱؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۳/۲۰)

چکیده

مسائل زیست محیطی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. به طوری که بهره‌برداری غیراصولی از منابع طبیعی و زمین در ایران، امنیت محیط زیست را به چالش کشیده و در حال حاضر بهبود وضعیت آن نیازمند یک رویکرد اساسی است. رویکرد مورد نظر در این مقاله یک رویکرد جامعه شناختی است؛ بدین معنا که برای به‌سازی وضعیت زیست محیطی باید به جایگاه محیط زیست و حفظ آن در زندگی مردم جامعه نگاه کرد و از طریق تغییر در نگرش و کنش‌های زیست محیطی مردم، به سمت پایداری زیست محیطی حرکت کرد. لذا این مقاله در صدد تبیین نگرش زیست محیطی دانشجویان از طریق سوگیری‌های فرهنگی آنان بوده است. برای دستیابی به اهداف مذکور از استراتژی استقرایی و تکنیک پیمایش استفاده شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۴۰۰ نفر از دانشجویان به تفکیک سه متغیر جنسیت، دوره تحصیلی و گروه تحصیلی به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش زیست محیطی دانشجویان در حد مطلوب و رضایت بخشی است و دانشجویانی که گروه تحصیلی آن‌ها با موضوعات زیست محیطی بیشتر مرتبط بوده (علوم کشاورزی و علوم پایه) نگرش مناسب‌تری نسبت به محیط زیست داشته‌اند. همچنین افزایش سطح تحصیلات دانشجویان، نگرش زیست محیطی آن‌ها را مطلوب‌تر می‌سازد. افزون بر آن، آزمون فرضیه‌ها تأیید کننده تأثیر سوگیری‌های فرهنگی بر نگرش زیست محیطی بوده و مدل رگرسیونی نیز مشخص کرد که ۲۸ درصد از تغییرات نگرش زیست محیطی بوسیله چهار سوگیری فرهنگی؛ تقدیرگرایی، فردگرایی، سلسله مراتبی و مساوات طلبی تبیین می‌شود و در این میان، بیشترین تأثیر را سوگیری مساوات طلبی داشته است.

کلیدواژگان: سوگیری فرهنگی، نگرش زیست محیطی، محیط زیست، دانشجویان

۱. مقدمه

مسأله حفاظت از محیط‌زیست از جدی‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی قرن حاضر است و به همین دلیل در دهه‌های اخیر شاهد سیر صعودی توجهات، برنامه‌ها و سیاست‌های حامی محیط‌زیست و به‌طور کلی ارتقای جایگاه محیط‌زیست در صحنه جهانی بوده‌ایم. از این‌رو امروز باید به فهرست بحران‌های جهانی، علاوه بر بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که تهدیداتی جدی محسوب می‌شوند، مشکلات و بحران‌های زیست‌محیطی را اضافه کرد. در همین راستاست که Kaplan (۲۰۰۸) مهمترین مسأله امنیت ملی واحدهای ملی در قرن ۲۱ را مسأله محیط‌زیست می‌داند و مهمتر این که بروز این بحران‌های زیست‌محیطی موجب شده است تا جامعه‌شناسان نقش وسیع‌تر، متفاوت‌تر و خلاقانه‌تری را برای مباحث زیست‌محیطی قائل شوند (Redclift & Benton, 1994). در این ارتباط Goken و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند که بالا گرفتن تب محیط‌زیست‌گرایی در سطح جهانی، فعالیت‌های زیست‌محیطی و جنبش‌های اجتماعی که برگرفته از مسائل و مشکلات روزافزون جهانی هستند، بسیاری از دانشمندان اجتماعی را ملزم به مطالعه نگرش‌ها و نگرانی‌های زیست‌محیطی کرده است.

بر این اساس با آغاز موج محیط‌زیست‌گرایی در دهه هفتاد و ادامه آن در سده گذشته، سنت‌های پژوهشی بر نگرش و علائق زیست‌محیطی متمرکز بوده‌اند. در سال‌های اخیرتر، این عناوین با پژوهش‌هایی درباره رفتارهایی که به محیط‌زیست آسیب می‌زنند یا از آن محافظت می‌کنند همراه شده‌اند. در این میان جامعه‌شناسی تلاش کرده است که دیدگاه نظری متفاوتی نسبت به علوم طبیعی فراهم کند و نشان دهد که نه تنها وراثت، فیزیولوژی و محیط طبیعی بلکه کنش متقابل اجتماعی، نهادها و باورها، رفتارهای انسان را شکل می‌دهند (King & Mc Carthy, 2009). به عبارتی دیگر

جامعه‌شناسان مسائل زیست‌محیطی را در چارچوب مسائل اجتماعی مورد توجه قرار داده و این مسائل را پیامدی از نگرش‌ها، باورها و کنش‌های کنشگران به‌شمار آورده‌اند. بنابراین، تغییر این نگرش‌ها و متعاقب آن تغییر در رفتارهای زیست‌محیطی اساسی‌ترین رویکرد جامعه‌شناسی محیط‌زیست در حل مشکلات زیست‌محیطی است و بی‌تردید اولین قدم در راه پایداری زیست‌محیطی تلقی می‌گردد.

با این اوصاف شواهد و آمارها تأیید کننده ضعف ملاحظات زیست‌محیطی و بحرانی بودن مسائل زیست‌محیطی در ایران هستند. به عنوان نمونه کشور ایران با مسائل زیست‌محیطی عدیده‌ای چون بحران کم آبی و برداشت بی‌رویه آب با حفر غیر قانونی چاه‌هایی با عمق بیش از ۵۰۰ متر در برخی از نقاط کشور (به عنوان نمونه شهرستان جهرم)، آلودگی هوا و مسأله ریزگردها (بویژه استان تهران و خوزستان)، فرسایش خاک و بیابان‌زایی، خشک شدن تالاب‌ها و تخریب جنگل‌ها و مصرف بی‌رویه انرژی... روبه‌رو است که البته شاید بسیاری از این مسائل بی‌ارتباط با نوع سوگیری و نگاه مردم به مسأله محیط‌زیست و همچنین نحوه رفتارهای زیست‌محیطی افراد جامعه ایران نباشد.

در طول سه دهه گذشته یکی از موضوعات مهم در مطالعات زیست‌محیطی نوع سوگیری‌های فرهنگی افراد بوده است که به وسیله تئوری فرهنگی داگلاس مطرح شده و چنین ادعا می‌شود که نظام‌های اعتقادی گسترده‌تر نگرش انسان‌ها را نسبت به طبیعت و محیط‌زیست سازماندهی می‌کنند (Lima & Castro, 2005). خصوصاً از زمانی که این رهیافت تئوریک درگیر ارزش‌ها، ایده‌ها و جهان‌بینی‌های مردم شد و ادعا نمود ذینفعان مختلف دارای دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به طبیعت هستند (Thmpson, et al, 1990).

بر این اساس، مطالعه و بررسی نگرش‌های زیست‌محیطی در بین تمامی گروه‌های اجتماعی حائز اهمیت است. بالاخص بررسی این موضوع در بین جمعیت

بین جامعه و محیط زیست، در اختیار ندارند. اما امروزه محرک اصلی جامعه‌شناسی زیست محیطی را تجربه معاصر از نگرانی‌ها و تهدیدهای زیست محیطی فراهم کرده، به ویژه پیچیدگی و چالشی که موضوعات زیست محیطی را احاطه کرده است. برای مثال، اختلاف نظرهای ملی و بین‌المللی در مورد باران اسیدی یا گرم شدن جهان که به شدت مستلزم دیدگاه‌های علمی-اجتماعی جدید است (Irwin, 2001). برای این اساس یکی از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه‌شناسان محیط زیست تبیین نگرش‌های زیست محیطی بوده است که با توجه به موضوع مقاله حاضر در ذیل به شرح پیشینه مطالعات و رویکردهای نظری مرتبط پرداخته می‌شود:

۱.۱. تئوری فرهنگی^۱

تئوری فرهنگی یا تئوری گروه - شبکه توسط انسان‌شناسی به نام Mary Douglas در سال ۱۹۷۰ در کتاب نمادهای طبیعی مطرح شد و سپس در طول چهار دهه گذشته با همکاری Douglas & Wildavsky^۲ (۱۹۸۲) در کتاب خطر و فرهنگ و افرادی دیگر نظیر Thmpson (۱۹۹۰) گسترش یافت. هدف اصلی این تئوری ایجاد یک گونه‌شناسی از صورت‌های اجتماعی بود که نه تنها با طرح‌های طبقه‌بندی توسعه یافته به وسیله نظریه پردازانی نظیر دورکیم، ماکس وبر و گیدنز مطابقت داشته باشد بلکه با اسناد جمع‌آوری شده مطالعات مردم‌شناسی نیز هماهنگ باشد (Verweij, et al, 2006). امروزه این رویکرد نظری مردم‌شناسانه به صورت موفق‌تری در موضوع‌های زیست محیطی به عنوان راهی برای طبقه‌بندی جهان‌بینی‌های متفاوت افراد بکار رفته است (Fath & Beck, 2005). در این تئوری، فرهنگ به معنای هویت گروهی و مجموعه ویژگی‌هایی که گروه‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند از قبیل خویشاوندی، گروه‌های مذهبی، نژاد و کاست نیست (World Bank, 2002) بلکه

دانشجویی به چند دلیل بسیار مهم و اساسی به نظر می‌رسد: اول اینکه، این گروه پس از فارغ التحصیلی به عنوان مدیر، معلم، وکیل، دانشمند، محقق و غیره در جامعه مشغول به کار خواهند شد و بسته به ماهیت شغل خود، فعالیت‌های حرفه‌ای و تخصصی آن‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دارای پیامدهای زیست محیطی خواهد بود، دوم، به عنوان دست‌اندرکاران در محیط زیست محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، حائز اهمیت است چون که همانند سایر افراد جامعه، مسئولیت مستمر خود را بپذیرند که نگرش و رفتارهای آنها نسبت به طبیعت و محیط زیست در پذیرش حفاظت زیست محیطی و توسعه پایدار مؤثر است و سوم اینکه از دانشجویان به عنوان بخشی از افراد جامعه که رهبری افکار و فرهنگ را در دست خواهند گرفت و یقیناً سایر مردم آنها را به عنوان گروه‌های مرجع خود در نظر خواهند گرفت؛ انتظار می‌رود نگرش بهنجار در ارتباط با حفاظت از محیط زیست داشته باشند و از این طریق بتوانند شرایط لازم را برای ترویج مستقیم و غیرمستقیم رفتار زیست محیطی مطلوب و بالتبع بهبود وضعیت زیست محیطی جامعه فراهم سازند.

بدین ترتیب اگر ما تمایل به تغییر وضعیت زیست محیطی جامعه داشته باشیم، نیازمند شناخت این مسأله هستیم که چه چیزی کنش‌ها و تصمیم‌های افراد را تعیین می‌کند، چه چیزی باعث می‌شود که افراد نسبت به محیط زیست نگرشی خوشایند یا ناخوشایند داشته باشند؟ چقدر نسل تصمیم‌ساز و روشنفکر ما نسبت به محیط زیست نگران یا بی تفاوت است؟ لذا مقاله حاضر برای پاسخ به چنین سؤالاتی درصدد است تا به شناسایی سوگیری‌های فرهنگی افراد و تأثیر آن‌ها بر نگرش زیست محیطی در بین یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی- دانشجویان - بپردازد.

در سال ۱۹۷۰، همزمان با آغاز "دهه زیست محیطی" جامعه‌شناسان دریافتند که هیچ گونه نظریه یا تحقیق منسجمی برای هدایت آنها به سوی فهمی متمایز از رابطه

¹Cultural Theory

²Aaron Wildavsky

فرهنگ در فکر انسان‌هاست و به درک انسان‌ها از دنیای پیرامون‌شان اشاره دارد و بر احساس، تفکر و درک آن‌ها تأکید می‌ورزد (Milton, 1996). از همین جهت است که Douglas (۱۹۷۰) رفتارهای انسانی را ناشی از ذات آن‌ها نمی‌داند بلکه عقیده دارد انسان با قرار گرفتن در یک محیط فرهنگی و با آموزش توسط فرهنگ جامعه‌اش یاد می‌گیرد که چگونه رفتار کند، غذا بخورد، از چه بویی متنفر باشد یا از کدام مزه لذت ببرد.

بر اساس این نظریه چهار سوگیری فرهنگی وجود دارد که عبارتند از تقدیرگرایی، مساوات طلبی، سلسله‌مراتبی و فردگرایی. این جهان‌بینی‌های متفاوت نتیجه اجتماعی شدن و مشارکت افراد است (Hoogstra-Klein, et al, 2012). مثلاً برخی از افراد درباره مسائل نظیر تغییرات آب و هوا، بحران آب و تولید زباله‌ها نگران هستند اما برخی دیگر نسبت به این مسائل تردید دارند یا بی تفاوتند. برخی ترجیح می‌دهند مدیریت چنین مسائلی بر عهده کارشناسان یا دولت گذاشته شود و برخی دیگر طرفدار راه‌حلی هستند که بتوان مداخلات انسانی را کنترل کرد (Xue, et al, 2014).

بر این اساس، این تئوری مربوط به مناسبات اجتماعی و تمایلات فرهنگی است (Kelly, et al, 2003) و از سال ۱۹۹۰ به صورت تجربی در تحقیقات کمی مورد آزمون قرار گرفته است (Thmpson, et al, 1990; Ellis & Thompson, 1997; Grendstad, 2000, 2003). اولین مطالعه تجربی کمی برای ارزیابی نظریه فرهنگی را به طور رسمی کارل دیگ (۱۹۹۱) انجام داد و محققان بعدی نسخه‌های تعدیل یافته تری را تولید کردند تا مقیاس اصلی را بهبود بخشند (Jenkins-Smith, 2001; Jenkins-Smith, et al, 2009; Kahan, et al, 2011). بنابراین در بسیاری از مطالعات که بر روی انواع خطرهای زیست‌محیطی، فناوری و سایر مسائل زیست‌محیطی برای سنجش سوگیری‌های فرهنگی انجام شده، از مقیاس Dake (۱۹۹۱) بهره برده شده است (Dake, 1992; Peters & Slovic, 1996; Sjoberg, 2003).

برخی از صاحب نظران نظیر Thmpson و همکاران، (۱۹۹۰) با استفاده از این تئوری برای توضیح رابطه انسان و طبیعت مفهوم اسطوره طبیعت^۱ را معرفی کرده‌اند. بدین معنا که هر سوگیری فرهنگی را با یک اسطوره خاص نسبت به طبیعت مرتبط ساخته‌اند و چهار اسطوره به نام‌های سازگار (فردگرایی)، فانی (مساوات طلبی)، غیرقابل پیش‌بینی (تقدیرگرایی) و مقاوم (سلسله‌مراتبی) را ایجاد نموده‌اند (Lima & Castro, 2005; Hoogstra-Klein, et al, 2012). مفهوم اسطوره طبیعت در این تئوری شامل نگرش نسبت به طبیعت، نگرش نسبت به منابع، نگرش نسبت به چگونگی برآورد نیازها، درک نسبت به مخاطرات زیست‌محیطی و راهبردهای مدیریت آن مخاطرات است (Steg & Sievers, 2000). بدین ترتیب این تئوری چهار سوگیری فرهنگی را معرفی می‌کند که هر یک از آنها شامل ایده‌هایی درباره جهان‌بینی و طبیعت، رابطه انسان و طبیعت و روش‌های مناسب تعامل با محیط زیست است:

۱. تقدیرگرایان^۲: آنها کسانی هستند که به بخت و اقبال متکی‌اند و طبیعت را دمدمی مزاج و غیر قابل پیش‌بینی می‌دانند (Thmpson, et al, 1990; Dake, et al, 1992). از این رو افراد متعلق به این گروه نه طبیعت را مدیریت می‌کنند و نه آرزوی این کار را دارند. زیرا در هر صورت

^۱Myths of Nature

^۲Fatalist

یک تعادل حساس و ظریف قرار دارد که با کوچکترین مداخله به هم می‌خورد و منجر به نتایج فاجعه بار و غیرقابل برگشت می‌شود. بنابراین این گروه شدیداً نگران محیط‌زیست و نسل‌های آینده هستند (Hannigan, 2006; Hoogstra-Klein, et al, 2012;) (Xue, et al, 2014). برای این امر باید طبیعت را به شدت مدیریت و حفاظت کرد (Thmpson, et al, 1990). برای آنها تکنولوژی به عنوان اصلی‌ترین منبع مسائل زیست‌محیطی است (Schwarz & Thompson, 1990) بنابراین علاقه‌ای به راه‌های فنی برای حل مسائل زیست‌محیطی ندارند (Poortinga, et al, 2002) و چون منابع محدود است آنها معتقدند که افراد و جامعه برای حفظ محیط‌زیست باید به گونه‌ای اساسی نگرش‌ها و رفتارشان را تغییر دهند (Schwarz & Thompson, 2000; Steg & Sievers, 1990).

۴. سلسله مراتبیان^۳: این دسته از افراد در حالی که نسبت به فرودستان احساس مسئولیت می‌کنند اما به طبقه‌بندی و قوانین هم معتقدند. طبیعت را تا حد مشخصی (نه کاملاً) لج‌وج و مقاوم می‌بینند (Thmpson, et al, 1990; Dake, 1992; Steg & Sievers, 2000; Grendstad, 2000; Hoogstra-Klein, et al, 2012) و این یعنی طبیعت تاحدی آسیب‌پذیر است (Poortinga, et al, 2002). به عبارت دیگر اگر مداخله کم باشد، طبیعت قادر است به حالت تعادل برگردد اما اگر مداخله از محدودیت طبیعت تجاوز نماید، شایستگی طبیعت به مخاطره می‌افتد. بدین ترتیب افراد متعلق به این گروه یک حس مسئولیت‌پذیری نسبت به طبیعت و حفاظت از آن را دارند و تا حدی برای محیط‌زیست نگرانند (Poortinga, et al, 2002). آنها معتقدند که مسائل و خطرات زیست‌محیطی باید توسط دولت بر اساس دانش و نصایح متخصصان و نخبگان کنترل شوند (Schwarz & Thompson, 1990;)

تفاوتی ایجاد نمی‌کند (Thmpson, et al, 1990) پس نگرانی‌های زیست‌محیطی این گروه اندک است (Xue, et al, 2014) و معتقدند که انسانها باید با حوادث غیر قابل پیش‌بینی خود را سازگار کنند و به عبارتی با هر مشکلی کنار بیایند (Thmpson, et al, 1990; Hoogstra-Klein, et al, 2012) به طوری که می‌توان گفت این گروه از افراد نسبت به مسائل زیست‌محیطی، بی‌تفاوتند.

۲. فردگرایان^۱: این گروه بیش از همه به خود و استقلالشان اهمیت می‌دهند و از حکومت‌ها می‌خواهند که آزادی‌شان را حفظ کنند تا امکان رقابت با دیگران وجود داشته باشد. برای آنها جهان اجتماعی بی‌حد و مرز است حتی اگر طبیعت بیش از اندازه مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ یا از طریق منابع فراوانش یا از طریق مهارت‌های نیروهای بازار، فناوری و علم التیام می‌یابد (Kelly, et al, 2003). طبیعت برای آنها بسیار ستر و بخشنده است که قادر است تمام مداخلات انسانی را جبران کند (Kwame, 2006). از این رو فردگرایان نگران مسائل زیست‌محیطی نیستند و در قبال طبیعت احساس مسئولیت نمی‌کنند و به همین دلیل تمایلی برای تغییر در رفتارهایشان ندارند (Poortinga, et al, 2002; Hoogstra-Klein, et al, 2012; Kahan, 2012) زیرا آنها نسبت به تکنولوژی خوش‌بین هستند و نوآوری‌های تکنیکی را به عنوان فرصتی برای موفقیت قلمداد می‌کنند (Wildavsky & Dake, 1990) لذا تصور می‌کنند که تکنولوژی‌های جدید راه‌حلی را برای حل مسائل زیست‌محیطی به وجود خواهند آورد (Thmpson, et al, 1990).

۳. مساوات‌طلبان^۲: چنین افرادی از گسترش یافتن چیزهایی که می‌تواند موجب نابرابری میان مردم شود، واهمه دارند (Hoogstra-Klein, et al, 2012). آنها طبیعت را فانی، زودگذر و شکننده می‌بینند (Thmpson, et al, 1990; Dake, 1992; Kelly, et al, 2003) و معتقدند که طبیعت معمولاً در

¹ Individualist

² Egalitarian

³ Hierarchist

بوم‌مدارانه (بشر فقط یکی از انواع ساکن بر روی زمین است)، بود (Hannigan, 2006). لذا این پارادایم می‌خواهد نشان دهد که چگونه می‌توان در غیاب پارادایم استثناگرایی انسان، جامعه را به سمت پایدارسازی متحول ساخت (Sutton, 2007).

این پارادایم در راستای تحلیل نگرش‌های زیست‌محیطی گروه‌های مختلف ابداع شد و به تدریج توسعه یافت. دانلپ با طرح این ایده، انتقال از پارادایم اجتماعی مسلط (که اولویتش بر رشد اقتصادی بود) به تئوری زیست‌محیطی جدید (تأکیدش بر حفظ ارزش‌های زیست‌محیطی بود) را مدنظر دارد (Mc Millan, 1977). از این رو پیش زمینه این رویکرد تشخیص این مسئله بود که آیا اعتقاد به محوریت زیست‌بوم (انسانها بخشی از طبیعت و تحت تأثیر آن هستند) وجود دارد؟ که چنین اعتقادی باور رایج علوم غربی را که در آن انسان اشرف مخلوقات و مرکز ثقل موجودات است را به چالش می‌کشد (Hawcroft & Milfont, 2010). در حقیقت بیداری و آگاهی زیست‌محیطی در اواخر دهه ۱۹۶۰ منجر به پیدایش این پارادایم گردید که رشد اقتصادی به هر قیمتی را نمی‌پذیرفت و از طرفی بر تعادل طبیعت و حاکمیت انسان بر طبیعت با رویکرد حفاظتی تأکید داشت. به بیانی بر اهمیت حفظ تعادل بین طبیعت و توسعه یک اقتصاد پایدار اصرار می‌ورزید.

سه محور اصلی پارادایم نوین زیست‌محیطی که Dunlap & Van Liere (۱۹۷۸) از آن به شکل راهنمایی برای سنجش نگرش‌های زیست‌محیطی استفاده کردند (ضریب آلفای ۰.۸۱)، عبارتند از:

۱. مردم بخشی از طبیعتند و بر آن سیطره ندارند (مخالفت با انسان محوری)
۲. تعادل طبیعت شکننده است یعنی دخالت‌های انسانی می‌تواند مشکل‌ساز شود (شکننده بودن تعادل طبیعت).
۳. زمین می‌تواند صرفاً تعداد معدودی از انسانها را پشتیبانی کند؛ بنابراین توسعه فعالیت‌ها باید کنترل

Dake, 1992; Steg & Sievers, 2000; Kelly, *et al*, (2003; Hoogstra-Klein, *et al*, 2012).

آنچه از مطالعه این تئوری و مطالعات تجربی پیشین استنباط می‌گردد این است که سوگیری فرهنگی فردگرایی و سلسله مراتبی همبستگی منفی با نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی دارند و به عبارتی این‌گونه افراد چندان نگران مسائل و خطرهای زیست‌محیطی نیستند و تنها سوگیری مساوات‌طلبی است که دارای همبستگی مثبت با نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی است و سوگیری تقدیرگرایی چندان ارتباطی با نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی ندارد و این نشان دهنده بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به مسائل و خطرهای زیست‌محیطی است و در مواردی نیز دارای همبستگی منفی با نگرش و رفتار زیست‌محیطی بوده زیرا که برای افراد متعلق به این گروه همه اتفاقات بوسیله‌شانس و تصادف رخ می‌دهد (Dake, 1992; Kelly, *et al*, 2003; Kahan, 2012; Xue, *et al*, 2014; Price, *et al*, 2014; Yazdanpanah, *et al*, 2011) پس مطالعات پیشین گویای این است که سوگیری‌های فرهنگی افراد می‌توانند بر نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی آنها تأثیرگذار باشند. البته Hoogstra-Klein و همکارانش (۲۰۱۲) در تحقیقشان به نتیجه معکوس دست یافتند، بدین معنا که این جهان‌بینی‌ها نمی‌تواند تبیین کننده رفتارهای زیست‌محیطی باشد. از طرفی طبقه‌بندی یک شخص به یکی از چهار جهان‌بینی غیر ممکن است و افراد به یک جهت‌گیری فرهنگی تعلق ندارند (Douglas, 1982; Hoogstra-Klein, *et al*, 2012).

۱.۲. پارادایم نوین زیست‌محیطی (NEP)

در اواخر دهه ۱۹۷۰، کاتون و دانلپ، عهده‌دار جهاد در راه قبولاندن جامعه‌شناسان با پارادایم زیست‌محیطی جدید خود شدند که به معنی عبور از تقسیمات استقرار یافته در نظریه جامعه شناختی بود. این پارادایم جدید، یک مشابه علمی از تفکر سبز به طور عام بود که طرفدار رویکردی بود که کمتر انسان مدارانه (انسان‌گرا) و بیشتر

شود (محدودیت رشد).

نسخه‌های اصلاح شده پارادایم نوین زیست محیطی بدین علت که طیف گسترده‌ای از جهت‌گیری‌های زیست محیطی را انعکاس می‌دهند و با طیف گسترده‌ای از نگرش‌ها و رفتارهای زیست محیطی مرتبط‌اند، مهم هستند. در این دیدگاه انسانها موجوداتی به هم وابسته‌اند و کنش انسانی می‌تواند نتایج پیش‌بینی نشده‌ای برای محیطی طبیعی داشته باشد (Felts, 2008).

با انتقادهایی که بر NEP وارد شد دانلپ برای رسیدن به یک تعادل بهتر میان نظرات موافق و مخالف آن و نیز برای وسعت دادن به محتوای مقیاس تغییراتی در آن ایجاد کرد. پیدایش مسائلی مانند نازک شدن لایه‌آزون، تغییرات آب و هوا و بروز تغییرات زیست محیطی جهانی توسط انسان‌ها، لزوم وجود گویه‌هایی در مورد احتمال تغییرات زیست محیطی فاجعه بار برای نوع انسان یا "بحران‌های زیست محیطی" را مطرح کرد. در نتیجه دانلپ گویه‌هایی را در مورد مفهوم معافیت بشر و بحران‌های زیست محیطی به مقیاس خود افزود. بدین ترتیب یک دسته ۱۵ آیتمی ساخته شد تا ۵ بعد فرضی نگرش زیست محیطی یعنی محدودیت در رشد،^۱ مخالفت با انسان محوری^۲، شکننده بودن تعادل طبیعت^۳، رد ایده معافیت بشر^۴، امکان بحران‌های زیست محیطی^۵، را مورد بررسی قرار دهد.

بنابراین این رویکرد عرصه جدیدی را در جامعه‌شناسی مدنظر قرار داد تا محیط‌زیست به اندازه‌فرآیندهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجهات و تأملات جامعه شناختی قرار گیرد. لذا امروزه این مقیاس به شاخصی محوری برای سنجش نگرش‌های زیست محیطی و ارزیابی محیط‌زیست‌گرایی جمعیت‌های مختلف تبدیل شده و به طور چشمگیری در بافت‌های

فرهنگی متفاوت و تحقیقات زیست محیطی متعدد Kaiser, et al, 1999; Straughan & Roberts, 1999;) Baverman & Davis, 2000; Kollmuss & Agyeman, 2002; Kelly, et al, 2003; Milfont & Duckitt, 2004; Budak, 2005; Kaiser, et al, 2007; Duerden & Witt, 2010; Gadenne, et al, 2011; Rodríguez-Barreiro, et al, 2013; Tan, 2014; Kil, et al, 2014; Imran, et al, 2014; Rezvani, 2005; Miri, 2008; Karimzadeh, 2010; Zehtab Yazdi, 2010; Imam Qoli, 2011; Navah & Forotan keya, 2011; Pour & Saadat yar, 2012; Talebi, 2013) مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. مواد و روش‌ها

استراتژی پژوهشی این مطالعه، استقرایی بوده و در این ارتباط از رایج‌ترین تکنیک‌های کمی در مطالعات اجتماعی یعنی پیمایش بهره برده شده است. جمعیت مورد مطالعه شامل تمام دانشجویان غیر پزشکی مشغول به تحصیل در دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ هستند که بر اساس اطلاعات بدست آمده از دفتر برنامه‌ریزی وزارت علوم، تعداد دانشجویان در این سال تحصیلی ۴۵۲۲۴ نفر بوده است. به منظور انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و انتخاب موارد به روش سهمی استفاده گردید. لازم به ذکر است که استفاده از این روش نمونه‌گیری، دانشجویان را بر اساس متغیرهای جنسیت، دوره تحصیلی و گروه تحصیلی طبقه‌بندی و با توجه به نسبت هر طبقه به کل جمعیت، تعداد افراد نمونه بدان تخصیص یافت. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۱ نفر برآورد گردید اما محقق به دلیل خطاها و اشتباهات احتمالی آن را به ۴۰۰ نفر ارتقاء داد.

برای جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق با استعانت از حوزه‌نظری و مطالعات پیشین از پرسشنامه‌های پایا و معتبر استفاده گردید. بدین صورت که برای سنجش متغیر وابسته نگرش زیست محیطی از مقیاس Dunlap و همکاران (۱۹۹۲) که شامل ۱۵ گویه است، استفاده شد که البته برخی از تحقیقات داخلی نیز از آن بهره برده‌اند

¹Limits to Growth

²Ant anthropocentrism

³Fragility of Natural Balance

⁴Rejection of Exemptionalism

⁵Possibility of an Eco crisis

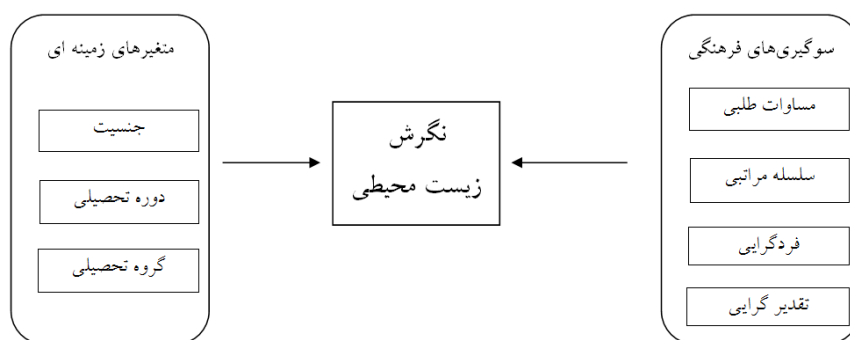
فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

- با توجه به توضیحات فوق، فرضیه‌های مورد نظر در این پژوهش، به شرح ذیل مطرح شده‌اند:
- بین سوگیری تقدیرگرایی دانشجویان و نگرش زیست‌محیطی آنها رابطه‌معنی‌دار وجود دارد.
 - بین سوگیری فردگرایی و نگرش زیست‌محیطی آنها رابطه‌معنی‌دار وجود دارد.
 - بین سوگیری سلسله‌مراتبی دانشجویان و نگرش زیست‌محیطی آنها رابطه‌معنی‌دار وجود دارد.
 - بین سوگیری مساوات‌طلبی دانشجویان و نگرش زیست‌محیطی آنها رابطه‌معنی‌دار وجود دارد.
 - بین جنسیت دانشجویان و نگرش زیست‌محیطی آنها رابطه‌معنی‌دار وجود دارد.
 - بین گروه‌های تحصیلی دانشجویان و نگرش زیست‌محیطی آنها رابطه‌معنی‌دار وجود دارد.
 - بین دوره‌های تحصیلی دانشجویان و نگرش زیست‌محیطی آنها رابطه‌معنی‌دار وجود دارد.

و دارای ضریب قابل اعتمادی بوده است (Salehi, 2009; Ahmadvand & NoriPour, 2010; Karimzadeh, 2010; Abedi sarvestani, 2011; Mo'tamedi Neya, et al, 2014).

بخش دوم شامل سؤال‌های مربوط به سنجش سازه‌های سوگیری‌های فرهنگی بود که همه آن‌ها در چارچوب طیف لیکرت سنجش شدند (کاملاً موافقم=۵، موافقم=۴، تاحدودی=۳، مخالفم=۲، کاملاً مخالفم=۱). برای سنجش این سازه‌ها از گویه‌های مورد استفاده Yazdanpanah و همکاران (۲۰۱۱) که برگرفته از مطالعات مربوط به تئوری فرهنگی بود، استفاده گردید. در مجموع برای سنجش چهار سوگیری فرهنگی تقدیرگرایی (۵ گویه)، فردگرایی (۷ گویه)، مساوات‌طلبی (۵ گویه) و سلسله‌مراتبی (۶ گویه) ۲۳ گویه به کار گرفته شد که ضریب پایایی آنها نیز مقبولیت لازم را داشت (۰/۶۵+).

به کمک نرم افزار SPSS ابتدا از آماره‌های توصیفی به منظور بررسی ویژگی‌های جامعه آماری بهره برده شد و از آزمون‌های تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر برای آزمون



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳. نتایج

دهنده این امر است که هنوز در نظام آموزشی ایران تعداد مردان از زنان بیشتر است، که البته این مسأله در سطوح بالاتر تحصیلی (دوره‌های تحصیلات تکمیلی) مشهودتر است. یعنی اینکه مردان تمایل بیشتری به ادامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری داشته‌اند. بر

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان نشان می‌دهد که از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو حدود ۴۶ درصد زن و حدود ۵۴ درصد مرد بوده‌اند. این تفاوت در تعداد پاسخگویان (با توجه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای) نشان

اساس متغیر گروه تحصیلی، بیشترین پاسخگویان (حدود ۵۴ درصد) مربوط به گروه علوم انسانی بوده (به نسبت تعداد آنها در کل) و بعد از آن به ترتیب متعلق به گروه فنی مهندسی (۲۱ درصد)، علوم کشاورزی و دامی (۱۲ درصد)، علوم پایه (۷ درصد) و گروه هنر (۶ درصد) بوده‌اند. به لحاظ متغیر دوره تحصیلی اطلاعات نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد (۲۷۵ نفر) پاسخگویان در دوره تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) مشغول به تحصیل بوده‌اند که حدود ۵۵ درصد (۲۱۹ نفر) آنها مربوط به دوره کارشناسی ارشد بوده‌اند. این امر حکایت از گرایش شدید دانشجویان ایرانی به ادامه تحصیل در

دوره‌های تحصیلات تکمیلی را دارد. وضعیت نگرش زیست محیطی دانشجویان در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که دانشجویان نگاه خوشایند و مطلوبی نسبت به محیط زیست دارند و در میان ابعاد ۵ گانه نگرش زیست محیطی بعد "امکان بحران زیست محیطی" بیشترین میزان میانگین و بعد "رد ایده معافیت بشر" کمترین میزان میانگین را داشته است. بدین معنا که دانشجویان مسائل زیست محیطی را جدی دانسته و از طرفی هم به نبوغ و خلاقیت انسان‌ها برای کنترل و حفاظت محیط زیست اعتقاد داشته‌اند.

جدول ۱. میانگین پاسخ‌های هر یک از ابعاد نگرش زیست محیطی

ابعاد	گویه‌های نگرش زیست محیطی	
	میانگین	میانگین ابعاد
محدودیت زمین	۴/۲۷	زمین شبیه یک جزیره است که منابع و فضای آن بسیار محدود است
	۲/۲۱	زمین دارای منابع فراوانی است و ما فقط باید نحوه استفاده از آنها را بدانیم
	۳/۶۰	منابع کره زمین محدود است و نمی‌تواند بیش از این نیازهای جمعیتی را برآورده سازد
مخالفت با انسان محوری	۳/۹۴	انسان‌ها حق دارند برای تأمین نیازشان هر طور که می‌خواهند محیط طبیعی را تغییر دهند
	۴/۳۱	گیاهان و حیوانات هم به اندازه انسان حق حیات دارند
	۳/۴۲	هدف انسان‌ها باید این باشد که طبیعت را تحت کنترل و سیطره خود درآورند
شکندنده بودن تعادل طبیعت	۳/۹۶	دستکاری انسان‌ها در طبیعت اغلب نتایج فاجعه آمیزی را به دنبال می‌آورد
	۳/۸۸	طبیعت به قدری ظرفیت دارد که توسعه صنعتی کشورها به آن آسیبی نمی‌زند
	۳/۷۲	تعادل و توازن طبیعت بسیار شکننده است و به راحتی به هم می‌خورد
رد ایده معافیت بشر	۲/۳۶	برخی معتقدند که با تکیه بر هوش و نبوغ انسانی می‌توان از تخریب زمین جلوگیری کرد
	۴/۲۰	با آنکه انسان، توانایی‌های زیادی دارد ولی به طبیعت نیاز دارد و تابع قوانین طبیعت است
	۲/۷۴	انسان نهایتاً دانش کافی درباره طبیعت به دست می‌آورد و آن را به کنترل خود در می‌آورد
امکان بحران زیست محیطی	۴/۲۶	اگر همه چیز همین طور پیش رود، به زودی شاهد فاجعه زیست محیطی بزرگی خواهیم بود
	۳/۶۳	اینکه گفته می‌شود بشر بحران زیست محیطی فراوانی بوجود آورده، به نظر اغراق آمیز است
	۳/۹۸	انسان‌ها از طبیعت و محیط زیست استفاده بیش از حد می‌کنند

۱,۳. آزمون فرضیه‌ها

به منظور بررسی رابطه میان متغیرهای اصلی تحقیق و آزمون فرضیه‌ها با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش آن‌ها، از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول شماره ۲). نتایج آزمون فرضیه اول، دوم سوم، چهارم حاکی از تأیید و معنی‌دار بودن ارتباط میان سوگیری تقدیرگرایانه، سوگیری فردگرایانه و سوگیری سلسله مراتبی با نگرش زیست‌محیطی است. بدین صورت که مقدار ضریب همبستگی میان تقدیرگرایی (-۰/۳۶۵)، فردگرایی (-۰/۲۰۴) و سلسله‌مراتبی (-۰/۱۲۱) با نگرش

زیست‌محیطی نشان دهنده ارتباط منفی و معکوس میان هر یک از این سه سوگیری فرهنگی با نگرش زیست‌محیطی است. بنابراین می‌توان گفت هر چه فرد تقدیرگراتر، فردگراتر و سلسله مراتبی‌تر بوده، نگرش زیست‌محیطی کمتر و ضعیف‌تری داشته است. اما مقدار ضریب همبستگی (۰/۱۵۳) سوگیری فرهنگی مساوات‌طلبی و نگرش زیست‌محیطی حاکی از رابطه مثبت میان این دو متغیر است. لذا هر چه فرد سوگیری مساوات‌طلبی بیشتری داشته، نگرش زیست‌محیطی وی مطلوب‌تر است.

جدول ۲. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای ارتباط میان سوگیری‌های فرهنگی و نگرش زیست‌محیطی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
تقدیرگرایی	نگرش زیست‌محیطی	-۰/۳۶۵	۰/۰۰۰
فردگرایی		-۰/۲۰۴	۰/۰۰۰
مساوات‌طلبی		۰/۱۵۳	۰/۰۰۲
سلسله‌مراتبی		-۰/۱۲۱	۰/۰۱۶

فرضیه پنجم مربوط به رابطه میان متغیر جنسیت و نگرش زیست‌محیطی است. همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود میانگین نگرش زیست‌محیطی در بین زنان ۵۵/۰۸ و در بین مردان ۵۴/۰۹ محاسبه گردیده است، این مقادیر حکایت از این دارد که میزان میانگین نگرش زیست‌محیطی زنان اندکی از مردان بیشتر است. اما مقدار آزمون t برای بررسی تفاوت میانگین این

دو گروه ۱/۵۱ بوده که با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۱۳) این مقدار در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار نیست. به عبارت دیگر تفاوت میانگین نگرش زیست‌محیطی در بین زنان و مردان دانشجو تصادفی است و تفاوت مشاهده شده به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین نگرش زیست‌محیطی زنان و مردان دانشجو در یک سطح بوده است.

جدول ۳. آزمون (t-test) برای تفاوت میانگین نگرش زیست‌محیطی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی‌داری
زن	۱۸۵	۵۵/۰۸	۶/۰۴	۱/۵۱	۰/۱۳
مرد	۲۱۴	۵۴/۰۹	۶/۹۳		

فرضیه ششم مدعی ارتباط معنادار بین گروه تحصیلی و نگرش زیست‌محیطی دانشجویان است. مقادیر گزارش شده در جدول شماره ۴ گویای تفاوت میانگین نگرش زیست-

محیطی در دانشجویان گروه‌های مختلف تحصیلی بوده و این تفاوت در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است. بدین معنا که دانشجویان گروه کشاورزی نسبت به گروه‌های دیگر نگرش

زیست محیطی مناسب‌تری داشته‌اند و دانشجویان علوم پایه، علوم انسانی، هنر و فنی مهندسی به لحاظ نگرش زیست محیطی در رده‌های بعدی قرار داشته‌اند.

جدول ۴.۴. آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی رابطه میان گروه‌های تحصیلی و نگرش زیست محیطی

گروه تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معنی داری
علوم انسانی	۲۱۴	۵۴/۳۱	۶/۰۴	۲/۸۵	۰/۰۲۴
فنی مهندسی	۸۴	۵۳/۵۵	۶/۴۰		
علوم پایه	۲۹	۵۵/۷۵	۶/۴۳		
علوم کشاورزی و دامی	۴۷	۵۵/۱۷	۷/۳۷		
هنر	۲۵	۵۳/۶۴	۸/۴۹		
مجموع	۲۱۴	۵۴/۵۵	۶/۵۴		

همچنین نتایج آزمون تعقیبی در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بین گروه تحصیلی علوم کشاورزی با گروه فنی مهندسی و علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی نگرش زیست محیطی دانشجویان گروه علوم کشاورزی، وضعیت بهتر و متفاوتی نسبت به گروه علوم انسانی و فنی مهندسی داشته است.

جدول ۵.۵. آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه گروه‌های تحصیلی با یکدیگر به لحاظ نگرش زیست محیطی

گروه تحصیلی	گروه تحصیلی	اختلاف میانگین	خطای معیار میانگین	سطح معنی داری
علوم انسانی	فنی مهندسی	۰/۷۵۳	۰/۸۳۵	۰/۸۹۶
	علوم پایه	-۱/۴۴۵	۱/۲۸۴	۰/۷۹۳
	علوم کشاورزی و دامی	-۲/۸۵۷*	۱/۰۴۵	۰/۰۴۱
	هنر	۰/۶۷۳	۱/۳۷۱	۰/۹۸۸
فنی مهندسی	علوم انسانی	-۰/۷۵۳	۰/۸۳۵	۰/۸۹۶
	علوم پایه	-۲/۱۹۹	۱/۳۹۷	۰/۵۱۵
	علوم کشاورزی و دامی	-۳/۶۱۰*	۱/۱۸۲	۰/۰۲۰
	هنر	-۰/۰۸۰	۱/۴۷۸	۱/۰۰
علوم پایه	علوم انسانی	۱/۴۴۵	۱/۲۸۴	۰/۷۹۳
	فنی مهندسی	۲/۱۹۹	۱/۳۹۷	۰/۵۱۵
	علوم کشاورزی و دامی	-۱/۴۱۱	۱/۵۳۲	۰/۸۸۹
	هنر	۲/۱۱۸	۱/۷۷۰	۰/۷۵۴
علوم کشاورزی و دامی	علوم انسانی	۲/۸۵۷*	۱/۰۴۵	۰/۰۴۱
	فنی مهندسی	۳/۶۱۰*	۱/۱۸۲	۰/۰۲۰
	علوم پایه	۱/۴۱۱	۱/۵۳۲	۰/۸۸۹
	هنر	۳/۵۳۰	۱/۶۰۶	۰/۱۸۳
هنر	علوم انسانی	-۰/۶۷۳	۱/۳۷۱	۰/۹۸۸
	فنی مهندسی	۰/۰۸۰	۱/۴۷۸	۱/۰۰
	علوم پایه	-۲/۱۱۸	۱/۷۷۰	۰/۷۵۴
	علوم کشاورزی و دامی	-۳/۵۳۰	۱/۶۰۶	۰/۱۸۳

فرضیه هفتم ارتباط بین دوره تحصیلی و نگرش زیست محیطی دانشجویان را مد نظر قرار داده است. اطلاعات جدول شماره ۶ حاکی از تفاوت میانگین نگرش زیست محیطی دانشجویان در دوره های مختلف تحصیلی بوده و این تفاوت در سطح $0/05$ معنی دار است. بدین

معنا که هر چه بر سطح تحصیلات افراد افزوده می شود، میانگین نگرش زیست محیطی آنها نیز افزایش می یابد. البته نتایج آزمون تعقیبی در جدول شماره ۷ گویای این است که این تفاوت نگرش، بین دانشجویان دوره دکتری با کارشناسی و کارشناسی ارشد چشمگیر و معنادار است.

جدول ۶- آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی رابطه میان دوره های تحصیلی و نگرش زیست محیطی

دوره تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره F	سطح معنی داری
کارشناسی	۱۲۴	۵۴/۰۱	۶/۵۵		
کارشناسی ارشد	۲۱۹	۵۴/۲۶	۶/۰۴	۴/۱۵۳	۰/۰۱۶
دکتری	۵۶	۵۶/۸۵	۷/۹۲		
مجموع	۳۹۹	۵۴/۵۵	۶/۵۴		

جدول ۷. آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه دوره های تحصیلی با یکدیگر به لحاظ نگرش زیست محیطی

دوره تحصیلی	دوره تحصیلی	اختلاف میانگین	خطای معیار میانگین	سطح معنی داری
کارشناسی	ارشد کارشناسی	-۰/۲۵۳	۰/۷۳۰	۰/۹۳۶
	دکتری	-۲/۸۴۱*	۱/۰۴۶	۰/۰۱۹
ارشد کارشناسی	کارشناسی	۰/۲۵۳	۰/۷۳۰	۰/۹۳۶
	دکتری	-۲/۵۸۷*	۰/۹۷۳	۰/۰۲۲
دکتری	کارشناسی	۲/۸۴۱*	۱/۰۴۶	۰/۰۱۹
	ارشد کارشناسی	۲/۵۸۷*	۰/۹۷۳	۰/۰۲۲

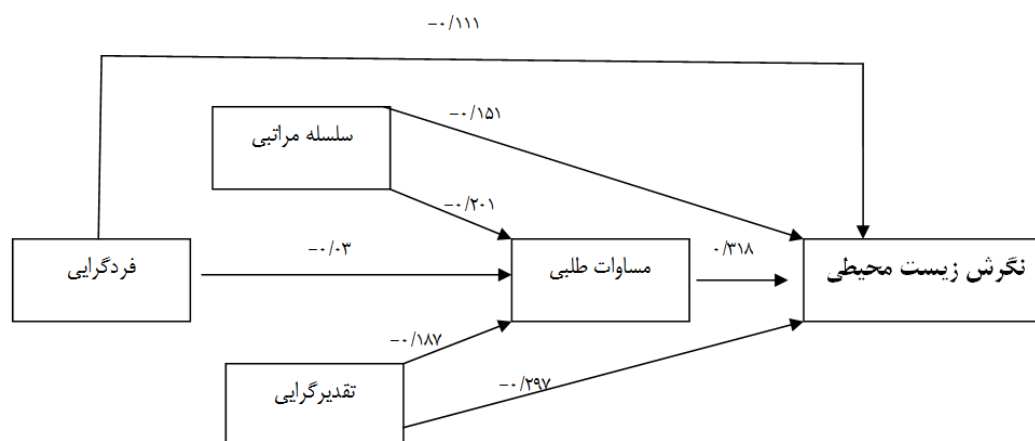
۲.۳. تبیین نگرش زیست محیطی

برای بررسی روابط علی میان متغیرهای تحقیق از روش تحلیل مسیر استفاده شد و بر اساس چارچوب نظری تحقیق متغیرهای تقدیرگرایی، فردگرایی، مساوات طلبی و سلسله مراتبی به عنوان متغیرهای مؤثر در تبیین نگرش زیست محیطی وارد مدل رگرسیونی شدند. معادله رگرسیون با $F= ۲۵/۴$ در سطح $0/05$ معنی دار

شد. نتایج تحلیل مسیر (شکل ۲) نشان می دهد ۲۸ درصد از واریانس نگرش زیست محیطی بوسیله متغیرهای سوگیری فرهنگی تبیین می شود. بیشترین تأثیر مربوط به متغیر مساوات طلبی با مقدار بتای استاندارد $0/۳۱۸$ است و سایر متغیرهای مستقل نیز به ترتیب تقدیرگرایی، سلسله مراتبی و فردگرایی دارای تأثیر معناداری هستند (جدول شماره ۸).

جدول ۸- نتایج تحلیل رگرسیون تأثیر سوگیری‌های فرهنگی دانشجویان بر نگرش زیست محیطی آنها

سوگیری فرهنگی	ضریب B (غیراستاندارد)	ضریب Beta (استاندارد شده)	آماره T	سطح معنی‌داری
تقدیرگرایی	-۰/۵۶۰	-۰/۲۹۷	-۶/۶۵	۰/۰۰۰
سلسله‌مراتبی	-۰/۳۰۱	-۰/۱۵۱	-۳/۲۸	۰/۰۰۱
مساوات‌طلبی	۰/۵۴۴	۰/۳۱۸	۶/۶۱	۰/۰۰۰
فردگرایی	-۰/۳۰۷	-۰/۱۱۱	۲/۳۹	۰/۰۱۷



شکل ۲. مدل تبیین نگرش زیست محیطی دانشجویان

جامعه، بر اساس تئوری فرهنگی بود.

آنچه از مطالعه این تئوری و مطالعات تجربی پیشین استنباط شد این بود که سوگیری فرهنگی فردگرایی و سلسله‌مراتبی همبستگی منفی با نگرش زیست محیطی دارند و به عبارتی این گونه افراد چندان نگران مسائل و مخاطرات زیست محیطی نیستند و تنها سوگیری مساوات طلبی است که دارای همبستگی مثبت با نگرش زیست محیطی است و سوگیری تقدیرگرایی چندان ارتباطی با نگرش زیست محیطی ندارد و این نشان دهنده بی تفاوتی افراد تقدیرگرا نسبت به مسائل و مخاطرات زیست محیطی است و در مواردی نیز دارای همبستگی منفی با نگرش زیست محیطی بوده زیرا که برای افراد متعلق به این گروه همه اتفاقات بوسیله شانس و تصادف رخ می‌دهد (Kelly, et al, 2003; Dake, 1992 ;

۴. بحث و نتیجه‌گیری

حفاظت از آب، هوا، خاک و سایر عوامل زیست محیطی یکی از نیازهای اساسی جامعه جهانی است که مردم از هر قوم و فرهنگی در قبال این مسأله مسئولیت دارند. جامعه‌شناسی زیست محیطی نیز یکی از راه‌های حفاظت از محیط زیست و بهبود آن را ارتقای سطح آگاهی، نگرش و رفتارهای زیست محیطی کنشگران اجتماعی می‌داند. به عبارتی برای فراگیر شدن فرهنگ حفظ محیط زیست نیازمند حمایت و مشارکت مردمی هستیم؛ بدین معنا که نوع سوگیری و نگاه مردم به محیط زیست تغییر کند و محیط زیست برایشان امری مهم و ارزشمند شود. از این رو هدف این مقاله تبیین نگرش زیست محیطی دانشجویان دانشگاه تهران؛ به عنوان تاثیرگذارترین افراد در وضعیت زیست محیطی آینده

به یک جهت‌گیری فرهنگی تعلق نداشتند، بلکه نسبتاً هر چهار سوگیری فرهنگی را کم و بیش داشته و این امر نشانه‌ای از حفظ محیط‌زیست از جانب این گروه اجتماعی است.

آزمون تحلیل آماری در خصوص روابط میان متغیرها نیز نشان داد که تنها سوگیری فرهنگی مساوات طلبی دارای همبستگی مثبت و معنی‌دار با نگرش زیست‌محیطی بوده و سه سوگیری فرهنگی دیگر همبستگی منفی و معنی‌داری با نگرش زیست‌محیطی داشته‌اند. این نتیجه کاملاً منطبق با ادعای تئوری مذکور و نتایج تحقیقات (Kelly, et al, 2003; Dake, 1992; Kahan, 2012; Xue, et al, 2014; Price, et al, 2014; Yazdanpanah, et al, 2011) است. این نتیجه نشان می‌دهد که با کاهش سوگیری‌های فردگرایی، تقدیرگرایی و سلسله‌مراتبی و افزایش سوگیری مساوات‌طلبی، نگرش زیست‌محیطی دانشجویان مثبت‌تر می‌گردد. این امر می‌تواند بدین دلیل باشد که فردگرایان با اسطوره طبیعت سازگار، محیط‌زیست را قوی و پایدار می‌دانند لذا از نگاه آنها، انسانها نباید نگران محیط‌زیست باشند؛ سلسله مراتب با اسطوره طبیعت مقاوم محیط‌زیست را تا حدی آسیب‌پذیر می‌دانند و از دید آنها اگر مداخلات زیست‌محیطی افراطی نباشد، طبیعت قادر است به حالت تعادل برگردد و برای حفظ آن نیازی به تدابیر انسانی و تغییر نگرش و رفتار نیست؛ تقدیرگرایان با اسطوره طبیعت غیر قابل پیش‌بینی، همه چیز را به شانس و اتفاق ارتباط می‌دهند و به نقش تغییر رفتارها و مشارکت زیست‌محیطی اعتقادی ندارند. اما مساوات‌طلبان با اسطوره طبیعت فانی، نگران وضعیت محیط‌زیست هستند و آن را بسیار شکننده و آسیب‌زا می‌دانند. لذا برای حفظ محیط‌زیست انسانها باید به طور اساسی نگرش‌ها و رفتارهایشان را تغییر دهند. بدین ترتیب نتایج آزمون‌های آماری حاکی از این بود که ۲۸ درصد از تغییرات نگرش زیست‌محیطی توسط تئوری فرهنگی تبیین شده و در این راستا سوگیری فرهنگی

Kahan, 2012; Xue, et al, 2014; Price, et al, 2014; Yazdanpanah, et al, 2011) پس مطالعات پیشین بیشتر مدعی این بود که سوگیری‌های فرهنگی با اسطوره‌های خاص زیست‌محیطی خود می‌توانند بر نگرش زیست‌محیطی افراد تأثیرگذار باشند.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که دانشجویان در حد متوسط رو به بالایی فردگرا هستند و تا حدودی بر این باورند که هر کس مقام، توانایی و سواد بیشتری داشته باشد باید درآمدش هم بیشتر باشد. پس با این نتیجه طبق تئوری فرهنگی شاید دانشجویان تا حدودی هم نگران مسائل زیست‌محیطی باشند و تا حدی هم معتقد به حل این گونه مسائل از طریق تکنولوژی‌های نوین باشند. در خصوص سوگیری فرهنگی تقدیرگرایی یافته‌ها گویای این واقعیت بود که این نوع سوگیری فرهنگی در دانشجویان ضعیف است و چندان اعتقادی به زندگی و کسب موفقیت از روی شانس ندارند. از این رو می‌توان چنین استدلال کرد که دانشجویان نسبت به مخاطرات زیست‌محیطی بی‌تفاوت نیستند. در ارتباط با سوگیری فرهنگی سلسله‌مراتبی نتایج نشان داد که دانشجویان برای نظم و انضباط ارزش والایی قائل هستند و از طرفی معتقدند بسیاری از مشکلات فعلی جامعه به دلیل عدم توجه دولت به نصایح متخصصان است. بدین اساس بسیاری از دانشجویان سوگیری سلسله‌مراتبی دارند؛ پس می‌توان چنین گفت که این گروه تا حدودی برای محیط‌زیست نگرانند و در قبال آن احساس مسوولیت می‌کنند و از طرفی هم به دانش و تخصص نخبگان برای حل این گونه مسائل ایمان دارند. در ارتباط با سوگیری مساوات‌طلبی نتایج این تحقیق نشان از مساوات‌طلبی نسبتاً متوسط دانشجویان دارد. لذا این نتیجه با نتایج ابعاد دیگر همخوانی دارد و گویای این نکته است که دانشجویان تا حدودی طبیعت را شکننده دانسته و نگران وضعیت آن هستند. بدین ترتیب مطابق با دیدگاه داگلاس، طبقه‌بندی یک شخص به یکی از چهار جهان‌بینی غیر ممکن است و دانشجویان در این تحقیق

می‌یابد. بنابراین می‌توان با افزایش سطح دانش زیست‌محیطی دانشجویان و ارتقای آگاهی زیست‌محیطی آنها نگرش زیست‌محیطی آنها را بهبود بخشید. لذا پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها از طریق گنجاندن درس مرتبط با محیط‌زیست و افزایش سطح دانش زیست‌محیطی نقش پر رنگ‌تری در توانمندسازی تصمیم‌سازان زیست‌محیطی آینده بر مبنای حراست از محیط‌زیست و ایجاد حس مسؤولیت در قبال محیط‌زیست داشته باشند. در حقیقت این نهادها با انجام چنین وظایفی می‌توانند یک شهروند زیست‌محیطی را بوجود آورند. کسی که نسبت به محیط‌زیست و مشکلات آن آگاهی و حساسیت دارد و نسبت به محیط‌زیست احساس نگرانی می‌کند، و از این رو انگیزه‌کافی برای مشارکت فعالانه در بهبود محیط‌زیست و حفاظت از آن را دارد.

مساوات‌طلبی بیشترین تأثیر را داشته است؛ از این رو می‌توان چنین استدلال کرد که دانشجویان به عنوان یک گروه فرهیخته تا حدودی محیط‌زیست را آسیب‌پذیر دانسته و به بخت و اقبال برای خروج از وضعیت کنونی مسائل زیست‌محیطی اعتقاد نداشته و معتقد به حل و کنترل مسائل زیست‌محیطی از طریق دانش و صلاحیت نخبگان اجتماعی هستند.

در خصوص متغیرهای زمینه‌ای و ارتباط آنها با نگرش زیست‌محیطی نتایج بدین صورت بود که نگرش زیست‌محیطی زنان و مردان با هم تفاوتی نداشت. اما دانشجویانی که گروه تحصیلی آن‌ها ارتباط بیشتری با موضوع محیط‌زیست داشت (علوم کشاورزی و دامی) نگرش زیست‌محیطی مطلوب‌تری نسبت به دانشجویان گروه‌های دیگر تحصیلی داشته‌اند. همچنین یافته‌ها نشان داد که با افزایش سطح تحصیلات بالاخص ورود به مرحله دکتری، نگرش زیست‌محیطی دانشجویان نیز ارتقا

References

- Abedi sarvestani, A.(2011). Analysis of environmental attitudes and behaviors. Iranian Journal of Agricultural Extension and Education, 7(2), 77-90. (In Persian).
- Ahmadvand, M., NoriPour, M. (2010). Environmental attitudes of Yasouj University students: Gender Analysis. Iranian Journal of Agricultural Extension and Education, 6(2), 1-14. (In Persian).
- Baverman, L., Davis, M. (2000). Attitudes of people towards nature. Miami University, USA. (<http://jrscience.wcp.miamioh.edu/nsfall00/FinalArticles/AttitudesofPeopleTowardsN.html>).
- Billgren, C., Holmén, H. (2008). Approaching reality: Comparing stakeholder analysis and cultural theory in the context of natural resource management. Land Use Policy, 25, 550-562.
- Budak, D.(2005). Behavior and Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey. Journal of Applied Sciences, 5(7), 1224-1227.
- Dake, K. (1991). Orienting dispositions in the perception of risk: An analysis of contemporary worldviews and cultural biases. Journal of Cross-cultural Psychology, 22(1), 61-82.
- Dake, K. (1992). Myths of nature: Culture and the social construction of risk. Journal of Social Issues, 48, 21-37.
- Douglas, M. (1970) Natural Symbols, Explorations in Cosmology, (London, Penguin).
- Douglas, M. (1982). Essays in the Sociology of Perception. Routledge and Kegan Paul, London.
- Douglas, M. (2003). Being fair to hierarchists. University of Pennsylvania Law Review, 151, 1349-1370.
- Douglas, M., & Wildavsky, A. (1982). Risk and culture: An essay on the selection of technical and environmental dangers. Berkeley, CA: University of California Press.

- Duerden, M.D., Witt, P.A. (2010). The impact of direct and indirect experiences on the development of environmental knowledge, attitudes, and behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 379-392
- Dunlap, R. E., Van Liere, K. D., Merting, A. G., Catton, W. R., and Howell, R. E. (1992). Measuring endorsement of an ecological Worldview: A revised NEP scale. Paper Presented at: The Annual Meeting of the Rural Sociological Society, The Pennsylvania State University, and University Park.
- Dunlap, R. E., Van Liere, K. D. (1978). The New Environmental Paradigm: A proposed Measuring Instrument and Preliminary Results. *Journal of Environmental Education*, 9:10-19.
- Ellis, R. J., Thompson, F. (1997). Cultural and the environment in the Pacific Northwest. *The American Political Science Review*, 91(4), 885-897.
- Fath, B.D., Beck, M.B. (2005). Elucidating public perceptions of environmental behavior: A case study of Lake Lanier. *Environmental Modelling and Software*, 20(4), 485-498.
- Felts, A. (2008), Home Energy Conservation: Psychological and Environmental Worldviews, A Thesis presented to the Faculty of the Graduate School University of Missouri-Columbia.
- Gadenne, D., Sharma, B., Kerr, D., Smith, T. (2011). The influence of consumers' environmental beliefs and attitudes on energy saving behaviors. *Energy Policy*, 39, 7684-7694.
- Goken, F., Adaman, F., Zenginobuz, E. U. (2002). On Environmental Concern, Willingness to Pay, and Post-materialist Values: Evidence from Istanbul. *Environment and Behavior*, 34 (5), 460-477.
- Grendstad, G. (2003). Comparing political orientations: Grid-group theory versus the left-right dimension in the five Nordic countries. *European Journal of Political Research*, 42, 1-21.
- Grendstad, G., 2000. Grid-group theory and political orientations: effect of cultural biases in Norway in the 1990s. *Scandinavian Political Studies* 23 (3), 217-244.
- Hannigan, J. (2006). *Environmental Sociology*. Second edition, This edition published in the Taylor & Francis e-Library.
- Hawcroft, L. J., and Milfont, T. L. (2010). The use (and abuse) of the new environmental paradigm scale over the last 30 years: A meta-analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 143-158.
- Hoogstra-Klein, M.D., Permadi, w.B., Yasmi, Y. (2012). The value of cultural theory for participatory processes in natural resource management. *Journal of Forest Policy and Economics*, 20, 99-106.
- Imam Qoli, L. (2011). . The effect of social capital on environmental behavior (Case Study: Kurdistan). Master's thesis, University of Mazandaran. (In Persian).
- Imran, S., Alam, K., Beaumont, N. (2014). Environmental orientations and environmental behavior: Perceptions of protected area tourism stakeholders. *Journal of Tourism Management*, 40, 290-299.
- Irwin, A. (2001). *Sociology and the Environment*, Cambridge: Polity Press.
- Jenkins-Smith, H. (2001). Modeling stigma: An empirical analysis of nuclear waste images of Nevada. In P. S. H. K. J. Flynn (Ed.), *Risk, media, and stigma: Understanding*
- Jenkins-Smith, H. C., Herron, K. G. (2009). Rock and a hard place: Public willingness to trade civil rights and liberties for greater security. *Politics & Policy*, 37(5), 1095-1129.
- Kahan, D. M. (2012). Cultural cognition as a conception of the cultural theory of risk. In S. Roeser, R. Hillerbrand, P. Sandin, M. Petersen (Eds.), *Handbook of risk theory: Epistemology, decision theory, ethics, and social implications of risk* (pp. 725-759). Dordrecht, Netherlands: Springer.
- Kahan, D. M., Jenkins-Smith, H., Braman, D. (2011). Cultural cognition of scientific consensus. *Journal of Risk Research*, 14(2), 147-174.
- Kahan, D. M., Wittlin, M., Peters, E., Slovic, P., Ouellette, L. L., Braman, D., et al. (2012). The tragedy of the risk-perception commons: Culture conflict, rationality conflict, and climate change. Cultural Cognition Project working paper no. 89. Retrieved from <http://ssrn.com/abstract995634>.
- Kaiser, F. G., Oerke, B., & Bogner, F. X. (2007). Behavior-based environmental attitude: Development of an instrument for adolescents. *Journal of Environmental Psychology*, 27, 242-2

- Kaiser, F. G., Wolfing, S., Fuhrer, U. (1999). Environmental attitude and ecological behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 19(1), 1-19.
- Kaplan, R. (2008). *The Coming anarchy*, Atlantic Monthly, February. 89-90.
- Karimzadeh, S. (2010). Social Factors influencing environmental behavior (energy consumption). Master's thesis Tehran Payam Noor University. (In Persian).
- Kelly, M., Kennedy, F., Faughnan, P., Tovery, H. (2003). Cultural Sources of Support on which Environmental Attitudes and Behaviours Draw. second report of national survey data in Ireland, university college Dublin.
- Kil, N., Holland, S.M., Stein, T.V. (2014). Structural relationships between environmental attitudes, recreation motivations, and environmentally responsible behaviors. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 7-8, 16-25.
- King, L., Mc Carthy, D. (۲۰۰۹). *Environmental Sociology From Analysis to Action*. Published in the United States of America by Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
- Kollmuss, A., Agyeman, J. (2002). Mind the gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behavior? *Environ. Educ. Res.* 8(3), 239-260.
- Kwame, D.S. (2006) Domestication of Excreta: a Cultural Theory Analysis of Ecosan Dry Toilet Schemes in Peri-Urban Accra, Ghana. MSc dissertation, Environment and Development Studies, Norwegian University of Life Sciences.
- Lima, M.L., Castro, P. (2005). Cultural theory meets the community: Worldviews and local issues. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 23-35.
- Mamadouh, V. (1990). Grid-group cultural theory: an introduction. *Geo Journal*, 47 (3), 395-409.
- Mc Millan, MB., Hoban, T.J., Clifford, W.B., Brant, M.R. (1977). Social and Demographic Influences On Environmental Attitudes. *Southern Rural Sociology* .13(1), 89-107.
- Milfont, T.L., Duckitt, J. (2010). The environmental attitudes inventory: a valid and reliable measure to assess the structure of environmental attitudes. *Journal of Environmental Psychology* 30(1), 80-94.
- Milfont, T.L., Duckitt, J. (2004). The structure of environmental attitudes: A first and second-order confirmatory factor analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 289-303.
- Miri Shahmaleki, F. (2008). Environmental Attitudes and sociological factors affecting it among owners of residential complexes under construction in Tehran. Master's thesis Tehran Payam Noor University. (In Persian).
- Mo'tamedi Neyaa, Z. et al. (2014). Environmental factors affecting the attitude of SME owners and managers of agricultural provinces of Kermanshah and Ilam. *Journal of the natural environment*, 67(1). 91-103. (In Persian).
- Navah, A., Forotan keya, Sh. (2011). The relationship between rational action and environmental behavior (the case of urban society Andyshmk). *Journal of Environmental Science and Engineering*, 51, 69-78. (In Persian).
- Peters, E. M., Slovic, P. (1996). The role of affect and worldviews as orienting dispositions in the perception and acceptance of nuclear power. *Journal of Applied Social Psychology*, 26(16), 1427-1453.
- Peters, E. M., Burraston, B., Mertz, C. K. (2004). An emotion-based model of risk perception and stigma susceptibility: Cognitive appraisals of emotion, affective reactivity, worldviews, and risk perceptions in the generation of technological stigma. *Risk Analysis*, 24(5), 1349-1367.
- Poortinga, W., Steg, L., & Vlek, C. (2002). Environmental risk concern and preferences for energy-saving measures. *Environment and Behavior*, 34(4), 455-478.
- Pour, S., Saadat yar, F.S. (2012). Analysis of attitudes and behavioral intentions with respect to environmental responsible environmental citizen. *Journal of Spring Development Strategy*, 29, 197-213. (In Persian)
- Price, J.C., Walker, I.A., Boschetti, F. (2014). Measuring cultural values and beliefs about environment to identify their role in climate change responses. *Journal of Environmental Psychology*, 37, 8-20.
- public challenges to modern science and technology (pp. 107-132).
- Redclift. M. and Benton, T. (1994) *Social Theory and the Global Environment*, New York: Rutledge.

- Rezvani, N. (2005). Examine the relationship between environmental knowledge and Pro-environmental attitudes and behavior, Master's thesis, Shahid Beheshti University. (In Persian).
- Rodríguez-Barreiro, L.M., Fernández-Manzanal, R., et al. (2013). Approach to a causal model between attitudes and environmental behavior. A graduate case study. *Journal of Cleaner Production*, 48, 116-125.
- Salehi, S. (2009). environmental Attitudes and Behavior in Iran: A Study in the Northern Provinces Using The New Environmental Paradigm, PhD thesis, Leeds University, UK.
- Schwarz, M. , Thompson, M. (1990). Divided we stand: Redefining politics, technology, and social choice. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Sjoberg, L. (1998). World views, political attitudes and risk perception. *Risk: Health Safety & Environment*, 9, 137-152.
- Sjoberg, L. (2003). Distal factors in risk perception. *Journal of Risk Research*, 6(3),187-211.
- Steg, L., Sievers, I. (2000). Cultural Theory and Individual Perceptions of Environmental Risks. *Environment and Behavior*, 32(2), 250-269.
- Straughan, R.D., Roberts, J.A. (1999). Environmental segmentation alternatives: a look at green consumer behaviour in the new millennium. *Journal of Consumer Marketing*, 16(6), 558-575.
- Sutton, Ph. (2007). *The Environment: A Sociological Introduction*, Cambridge, Polity Press.
- Talebi, M. (2013). Sociological Study of consumer behavior, domestic and social factors affecting it (Case study: Tehran City). Master's thesis, Tehran University. (In Persian).
- Tan, C. (2014). An assessment of pre-service teachers' attitudes toward books on environment and, relationship between attitudes and environmental behaviors; environmental thinking. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116,4357 – 4361.
- Thmpson, M., Ellis, R. Wildavsky, A. (1990) *Cultural Theory*. Boulder, CO: West view.
- Verweij, M., Douglas, M., Ellis, R., Engel, C., Hendriks, F., Lohmann, S., Ney, S., Rayner, S., Thompson, M. (2006). Clumsy solutions for a complex world: the case of climate change. *Public Administration* 84 (4), 817-843.
- World Bank, (2002). Culture and public action conference. Available in: <http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer0Public0Action.pdf>
- Xue, W., Hine, D.W., Loi, N.M., Thorsteinsson, E.B., Phillips, W.J. (2014). Cultural worldviews and environmental risk perceptions: A meta-analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 40 ,249-258.
- Yazdanpanah, M., et al. (2011). Cultural theory to analyze attitudes and behaviors Water Conservation:: The Case of Staff Agriculture Organization of Bushehr Province. *Iranian Journal of Agricultural Extension and Education*, 7(2), 1-18. (In Persian).
- Zehtab Yazdi, Y.(2010). Evaluation of Awareness Knowledge, attitudes and environmental behavior of Tehran University professors. Master's thesis Tehran Payam Noor University. (In Persian).
- Milton, K. (1996). *Environmentalism and Cultural Theory: Exploring the. Role of Anthropology in Environmental Discourse*. Rutledge, London.
- Wildavsky, A., Dake, K. (1990) Theories of risk perception: who fears what and why? *Deadalus*, 119(4), 41-60.